

بررسی نفوذ ساواک در حزب توده

پریسا فرخی نژاد^۱

سید محمد مصطفوی اصل^۲

مرتضی میرعرب^۳

چکیده

تاریخ معاصر ایران همواره عرصه تکاپو و تعارض جریان‌های سیاسی، دینی، ملی گرا و چپ گرا بوده است. هر کدام از این جریان‌ها در دوره‌ای توانستند به حکومت برسند. از جمله نیروهای چپ گرا که (نیروهای طرفدار روس، انگلیس و یا طرفدار آمریکا بودند) متشکل‌ترین و منسجم‌ترین آن، جریان حزب توده بود با قدرتی که داشت در مسایل کشور هم دخالت می‌کرد. این حزب از مخالفان رژیم پهلوی بوده و رژیم حاکم، در راستای جلوگیری از اقدامات این جریان راه حل را در تأسیس سازمان امنیت کشور دانست. تا علاوه بر رسیدن به اهداف دیگر از طریق این تشکیلات بتواند فعالیت‌های این گروه را سرکوب کند. ساواک نیز در همین راستا مأمور کشف و سرکوب این گروه‌ها گردید و با شدت عملی که به خرج داد توانست در این حزب نفوذ کرده و با دستگیری افراد رده بالای آن، به فروپاشی حزب انجامید این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و درصدد پاسخ دهی به نحوه‌ی نفوذ دستگاه امنیتی رژیم پهلوی در سازمان حزب توده است. گرچه منابع در مورد ساواک و حزب توده اشاراتی دارند از جمله: کارنامه حزب توده از عبدالله برهان می‌باشد. ولی به نفوذ ساواک در تشکیلات این حزب به طور مستقل پرداخته نشده است.

کلید واژگان: آمریکا، حزب توده، ساواک، شوروی، ک.گ.ب.

۱. دکتری تخصصی فلسفه تعلیم و تربیت، استادیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، فرهنگی seyedmohamadmostafavi@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، فرهنگی

مقدمه

منسجم‌ترین و گسترده‌ترین حزب سیاسی ایران از مشروطه تا عصر حاضر حزب توده بود که در سال ۱۳۲۰ تاسیس گردید و توانست در بین طبقات متوسط از جمله روشنفکران کارگران صنعتی نفوذ کند. در تاریخ حزب توده ایران، نکات زیادی دیده می‌شود که از وجوه شاخص این حزب، وابستگی و حرف شنوی بدون قید و شرط از دولت شوروی و سازمان جاسوسی آن ک.گ.ا بود و در تمام سال‌های دهه ۲۰ تا ۶۰ رهبران حزب توده، در راستای تأمین منافع و خواست‌های نامشروع دولت شوروی در ایران گام بر می‌داشتند. خدمت آن‌ها تا پس از پیروزی انقلاب و پایان حیات سیاسی حزب توده ادامه یافت. با در نظر گرفتن تحولات در عرصه جهانی، جریان حوادث به گونه‌ای رقم خورد که در صحنه سیاست گذاری بین‌المللی، موقعیت تأثیر گذاری برای آمریکا در ایران فراهم آورد تا به گونه‌ای به تحکیم مواضع خود بپردازد. در واقع کودتای ۱۳۲۸ زمینه ساز مناسبی برای تثبیت موقعیت این کشور گردید. آمریکا که برای رسیدن به اهدافش رقیب اصلی خود را شوروی می‌دانست، دست به تأسیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور زد. در مقابل رژیم حاکم بر ایران نیز برای مقابله با کمونیسم، آمریکا را حامی خود خواند. این حمایت در قالب تأسیس یک دستگاه امنیت و اطلاعات (ساواک) در ایران علنی شد. به طوری که می‌توان گفت یکی از اهداف ایجاد چنین دستگاهی مقابله با کمونیسم و شوروی بود که به گونه‌ای هم برای رژیم و هم برای حامی آن به مثابه یک رقیب جدی در عرصه سیاست گذاری بین‌المللی بود. رژیم پهلوی برای در هم شکستن نیروهای مخالف و چپ‌گرا از جمله حزب توده به تشکیل این دستگاه امنیتی مبادرت کرد تا بتواند مخالفان را سرکوب کند. در این تحقیق به نفوذ ساواک در حزب توده و تأثیر گذاری آن بر فعالیت‌های این جریان پرداخته می‌شود. گرچه منابعی مانند: کارنامه حزب توده از عبدالله برهان، احسان طبری در کژراهه و ساواک و نقش آن در رژیم پهلوی، به تشکیلات ساواک و جریان حزب توده پرداخته‌اند ولی به طور مستقل به جریان نفوذ سازمان ساواک بر تشکیلات حزب توده پرداخته نشده است.

قرار داده‌ها

در این تحقیق سال‌های آورده شده، هجری شمسی می‌باشد. به علت طولانی بودن ارجاع مربوط به کتاب چپ در ایران که مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات به مثابه مولف این کتاب می‌باشد به بررسی اسناد ارجاع داده می‌شود و کتاب حزب توده که کوشش جمعی از پژوهشگران گردآوری شده است و کتاب سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی که توسط موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی نوشته شده هم چنین کتاب خاطرات کیانوری که به کوشش موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی گردآوری شده در متن به ترتیب به پژوهشگران و موسسه مطالعات و موسسه تحقیقات ارجاع داده می‌شود.

حزب توده

در سال ۱۳۲۰ پس از اشغال ایران به وسیله نیروهای متفقین و اخراج رضا شاه از ایران، عده‌ای از کمونیست‌های زندانی آزاد شدند. این عده به همراه عده‌ای دیگر به فکر تجدید فعالیت سیاسی افتادند و حضور ارتش سرخ در ایران و حمایت و تشویق شوروی این فکر را در آنها تقویت کرد و در سال ۱۳۲۰ در سالروز مرگ تقی ارانی رهبر ۵۳ نفر که فعالیت کمونیستی انجام می‌دادند و در سال ۱۳۱۶ محاکمه شدند، به فکر تاسیس حزب افتادند (الموتی، ۱۳۷۰:۳۹۴).

در مهر ماه همین سال اولین جلسه هیئت موسسان حزب در منزل سلیمان اسکندری تشکیل شد. موضوع مذاکره در این جلسه تشکیل حزبی به نام حزب کمونیست بود که علی اف - کارمند سفارت شوروی، به عنوان یکی از چهره‌های اطلاعاتی آموزش دیده کمونیستی، با این نام به مخالفت پرداخت. استدلالش این بود که با توجه به شرایط و اوضاع احوال ایران حزبی باید تأسیس شود که معتدل و میانه رو باشد و بتواند کلیه طبقات را در خود جمع کند. بدین لحاظ نام حزب کمونیست در شرایط فعلی برای ایران مناسب نیست. پس از شور و تصمیم‌گیری‌ها، نظر علی اف پذیرفته شد و نام حزب توده برای حزب تازه تاسیس، انتخاب و اصول و مرامنامه حزب تصویب گردید (بی نا، ۱۳۸۰:۹).

موسسان حزب توده، حدود ۸۰ نفر از روشن‌فکران و سیاستمداران بودند. عده‌ای از آن‌ها کمونیست و عده‌ای روشن فکر غیر کمونیست بودند که از مرکز مخفی کمونیستی اطلاعی نداشتند و بعدها به مرور، حزب به لحاظ ایدئولوژی اعضا و کادرها یک دست شد و عده‌ای با شناخت بیشتر از آن از حزب کناره‌گیری کردند (بررسی اسناد، ۱۳۸۲:۶۵). اصول اولیه حزب، چهره یک حزب ترقی خواه و مردمی را ارائه داده به هیچ وجه به ایدئولوژی و اهداف مارکسیستی حزب اشاره نکرده است. حفظ استقلال و تمامیت ایران و مبارزه علیه هرگونه سیاست استعماری نسبت به کشور طبق اصل معروف آزادی و اختیار ملتها در تعیین سرنوشت خویش است (بی نا، ۱۳۸۰:۹).

این حزب در تشریح مواضع خود در آبان ماه ۱۳۲۰ تحت عنوان حزب توده چه می‌خواهد، می‌نوسید: «حزب توده متکی به قانون اساسی است و وجود آن را قانون اساسی تضمین می‌کند و کسانی که با حزب توده ایران مبارزه دارند، مبارزه آنان در حقیقت مبارزه با قانون اساسی می‌باشد (بررسی اسناد، ۱۳۸۲:۲۶۰).

در سال ۱۳۲۲ جبهه آزادی تشکیل شد ولی پس از طرح مسأله نفت شمال و حمایتی که حزب توده از شوروی داشت، پراکنده گردید؛ چرا که در مقابله با شوروی، سیاستی را در پیش گرفته بود که نشان دهنده آن بود که با خروج نیروهای بیگانه مخالف نیست (مدنی، ۱۳۶۱:۵۳). در این تاریخ حساس که کشور درگیر مسایل با نیروهای شوروی و حفظ تمامیت منطقه خود از وجود نیروهای بیگانه بود، حمایت حزب توده از نیروهای بیگانه چه منافع مشروعی برای کشور می‌توانست داشته باشد؟

با وقوع تیراندازی به شاه در تاریخ ۱۵/۱۱/۱۳۲۷ حزب متهم به این سوء قصد شده منجر به انحلال این حزب و دستگیری اعضای آن گردید. عده‌ای موفق به فرار از کشور و عده‌ای مخفی شده فعالیت خود را به صورت مخفیانه ادامه دادند. گرچه تعدادی از آن‌ها مانند کیانوری که از سران حزب بود با کمک افسری به نام رفعت زاده از زندان فرار کردند (فردوست، ۱۳۷۰: ۴۰۰).

حزب توده در طول دوران نخست وزیری مص، با دست زدن به آشوب‌های متعدد، سبب هرج و مرج و ناامنی مداوم و جلوگیری از تثبیت حاکمیت ملی شد (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۱۳۷).

در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ حزب توده هیچ تصمیم و اقدامی از خود نشان نداد و زمانی که مورد اعتراض قرار گرفت، اعلام کرد: «اگر اقدامی مسلحانه انجام می‌دادیم، شکست و سرکوب شدیدتر می‌گشت». سرانجام نیز دست به اقداماتی زدند که باعث خرد شدن سازمان گسترده حزب گردید. از جمله: عملیات پارتیزانی در شمال کشور^۱ (بی نا، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

پس از کودتای ۲۸ مرداد کشف سازمان نظام، چاپخانه داودیه حزب توده کشف شد و عده‌ای از افراد آن هم دستگیر شده و در طی حوادث بعدی، در سال ۱۳۳۳ روز ۲۷ مهر در میدان تیر پادگان قصر، تیر باران شدند. در پایان سال ۱۳۴۴ هم عده‌ای از آن‌ها به خارج از کشور رفتند و تا سال ۱۳۳۵ و رسمیت یافتن سازمان ساواک تعقیب شبکه مزبور وجود داشت (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

به طور کلی عواملی دست اندر کار می‌شود تا یک حزب یا تشکل با هر هدفی روی کار آید. ماندگاری آن نیز بسته به اقداماتی می‌باشد که در دستور کار آن‌ها قرار می‌گیرد. در نهایت امر با اشتباهات مسئولان، دست اندر کاران و به گونه‌ای نیز، نفوذ افراد بیگانه و دخالت‌هایشان در این عرصه، مورد مخالفت قرار گرفته و در نهایت عوامل سقوط آن فراهم شد مانند حزب یاد شده که کادر رهبری آن در راستای منافع کشوری بیگانه در سرزمین خود اصرار می‌ورزد و حتی به خروج آن‌ها هم اعتراض کرده و ماندگاری آنان را خواستار است. ولی همین کشور حامی، زمانی که دیگر از وجود آن‌ها برای خود نفعی نمی‌بیند دست از حمایت بر می‌دارد.

ساواک

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شرایط برای ایجاد سازمان ساواک در ایران فراهم شد. جا به جایی قدرت در حوزه سیاست گذاری و تصمیم گیری نظام سلطه جهانی پس از جنگ جهانی دوم، که از نتایج این جنگ بود و از طرف دیگر نقش آمریکا در کودتای ۳۲، بازگرداندن محمدرضا شاه به تخت

۱. حزب توده چون به اختلاف با دولت پهلوی پرداخت و مورد حمایت شوروی‌ها بود، در شمال ایران دست به ناامنی زدند و به مردم بی گناه حمله ور شدند؛ می‌توان به نمونه آن در جریان نفت شمال اشاره کرد که خواهان این بودند که نفت شمال باید به شوروی‌ها داده شود نه دولت آمریکا.

سلطنت، در مجموع دست یابی آمریکا را به موقعیت مناسب سیاسی در ایران کاملاً فراهم می‌کرد. آمریکا برای تثبیت، تحکیم و حفظ این موقعیت، ناگزیر به ایجاد و سازمان دهی نظام اطلاعات امنیتی کشور شد و به منظور اینکه مهره دست نشانده خود، در مقابل دست اندازی‌های خارجی و نیز تحریکات داخلی مردم ایران، از توانایی لازم برخوردار باشد در درجه اول به ایجاد دستگاه ضد اطلاعات ارتش و تقویت آن و سپس به تأسیس سازمان امنیت کشور پرداخت (فردوست، ۱۳۷۰: ۳۸۲).

آمریکا در صدد ایجاد پایگاه امنیتی قوی در ایران بود؛ چرا که در شمال این منطقه، شوروی کمونیستی حضور داشت که تهدید جدی برای اهداف آمریکا بود. رژیم حاکم نیز در همان راستای اهداف حامی خود گام بر می‌داشت و خواهان تأسیس سازمان امنیتی در کشور شد. از دلایل تشکیل ساواک بدنامی فرمانداری نظامی در به کارگیری روش‌های خشن علیه متهمان بود ولی همراه با ورود پرسنل فرمانداری نظامی به ساواک، خشونت هم به این سازمان اضافه شد و تیمور بختیار فرماندار نظامی سابق تهران در سمت اولین رئیس ساواک خشونت را وارد دستگاه امنیت و اطلاعاتی کرد و باعث شد که این سازمان در طول دوران فعالیت تبدیل به نهادی شود که نام آن یاد آور ترس و وحشت بود (دلانوا، ۱۳۷۱: ۴۵۱).

یکی از اهداف شاه از تأسیس ساواک، ایجاد دستگاه اطلاعات امروزی کارآمد بود به گونه‌ای که قادر باشد تهدیدهای داخلی و خارجی علیه سلطه‌اش را شناسایی کند و از رقابت‌های خرد و ریز دیوانسالارانه و واحدهای اطلاعاتی مانند واحدهای ارتش، ژاندارمری، شهربانی رها باشد (گاز پورسکی، ۱۳۷۱: ۲۰۲).

سازمان امنیت و اطلاعات کشور در اسفند ماه سال ۱۳۳۵ ایجاد گردید. ماموریت محوله به آن جلوگیری از فعالیت گروه‌هایی بود که ایجاد و عضویت در آن‌ها حزب توده - غیر قانونی اعلام شده بود (دلانوا، ۱۳۷۱: ۷۷). با رسمیت یافتن فعالیت ساواک در سال ۱۳۶۶ به تعقیب حزب توده پرداخته شد و در این زمان، فعالیت گروه‌های چپ ظاهراً منحصر به همین شبکه بود. بنابراین ساواک مامور مبارزه علیه کمونیست‌ها و اعضای باقی مانده از حزب توده شد و تمام قوای خود را برای دست گیری این افراد به کار گرفت (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

روسای ساواک و دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بدون واسطه با شاه در ارتباط بودند و در بسیاری از موارد در زمینه مسایل امنیتی و اطلاعاتی در حضور شاه تصمیم‌گیری و عملیات شناسایی و تعقیب را مستقیماً به شاه تسلیم می‌شد (فردوست، ۱۳۷۰: ۴۰۰).

گرچه ساواک براساس قانون اساسی به نخست وزیر وابسته بود ولی در برخی مقاطع از چنان قدرتی برخوردار بود که به عنوان دولتی در دولت نخست وزیر از آن یاد می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۷: ۴۴). در واقع ساواک در راستای انجام وظیفه‌ای قرار گرفت که شاه و آمریکا برایش تعیین کرده بودند، از جمله مصون داشتن کشور از تاخت و تاز کمونیست‌ها. یکی از اهداف تأسیس ساواک و در واقع مهم‌ترین

هدفی که آمریکا از تأسیس ساواک داشت، مبارزه با شوروی و جلوگیری از پیشرفت و رشد آن در کشور ایران بود. ساواک مامور مبارزه علیه شوروی جلوگیری از پیشرفت و رشد آن در کشور ایران بود. ساواک مامور مبارزه علیه کمونیست‌ها و اعضای باقیمانده حزب توده شد.

نفوذ ساواک در حزب توده با شروع جنگ سرد میان شوروی و آمریکا، با حضور سراسری ماموران سیا در ایران پس از کودتا، موضوع کنترل اطلاعات جاسوسی و امنیتی شوروی به طور جدی صورت گرفت و برخلاف خواسته شوروی ایران، همکاری سلطه پذیرانه و بی شائبه‌ای را با غرب در پیش گرفت و از نظر قرارداد نظامی از هیچ تلاشی فروگذاری نکرد (ازغدی، ۱۳۶۷: ۲۶۷). عضویت ایران در پیمان بغداد و سپس عقد قراردادهای همکاری - نظامی با آمریکا بیش از پیش موجب سردی روابط میان ایران و شوروی و گسترش روابط خصمانه با «ک.گ.ب» گردید (لطیفیان، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

سرکوبی گروه‌های مخالف بر عهده ساواک گذاشته شد. نیروهای چپ و حزب توده از آغاز تأسیس ساواک مهم‌ترین گروه مخالف رژیم به شمار می‌آمدند و ساواک پس از تأسیس به سرکوب افراد بازمانده این گروه پرداخت و به این ترتیب فعالیت حزب توده و نیروهای چپ را در ایران متوقف می‌کرد (نجاری، ۱۳۷۸: ۲۷۵).

بخش مهمی از نیرو و وقت و امکانات ساواک طی سال‌های دهه ۱۳۳۰ تا پایان دوران حکومت پهلوی، صرف کشف و خنثی کردن جاسوسان ایرانی «ک.گ.ب» - حزب توده - بود. این فعالیت در سطوح مختلف انجام شد (کوزیچکین، ۱۳۷۰: ۳۹۹).

ساواک توانست از اختلافات درونی حزب توده بین گروه‌های دارای مواضع مائویستی^۱ و گروه‌های طرفداران شوروی استفاده کرده و نفوذ خود را مستحکم‌تر سازد. شوروی به حمایت از رضای رادمنش پرداخت و رهبری او را در حزب توده تحکیم کرد. گرچه حمایت شوروی حذف مائویسم را دنبال داشت ولی باعث شد تا ساواک در رهبری حزب توده دخالت کند و افراد مورد نظر خود را در این حزب توده نفوذ دهد و بدین ترتیب، سازمان حزب توده در ایران به پوششی برای ساواک علیه گروه‌های ضد رژیم پهلوی مبدل گردید (موسسه مطالعات، ۱۳۷۵: ۱۵۲). مائویستی‌ها از جمله گروه‌های مخالف حکومت شوروی بودند و دولت شوروی سعی کرد با کمک حزب توده این گروه را از بین ببرد. از طرف دیگر با توجه به نفوذ حزب توده که به مخالفت با رژیم می‌پرداخت نیروهای اطلاعاتی ساواک سعی کردند که از طریقی وارد حزب توده شوند تا بتوانند حرکات آن‌ها را کنترل کنند که سرانجام ساواک توانستند بسیاری از سران حزب توده را دستگیر کنند.

یکی از حربه‌های ساواک برای جذب عناصر توده‌ای وفادار به حزب و دستگیری آن‌ها و در نهایت سرکوب حزب، تشکیل شبکه‌های قلابی حزب توده بود. همچنین از دیگر حربه‌های آن برای خارج

۱. از مائویسم گرفته شده که به نقش دهقانان و روستاییان در انقلاب کارگری بر اهمیت فرهنگ به عنوان عنصری که می‌تواند بر اقتصاد سوسیالیستی تأثیر گذارد، تأکید دارد (آشوری، ۱۳۸۳: ۲۸۷).

کردن افراد از صحنه فعالیت و مبارزه علیه رژیم، پخش شایعه در مورد آن‌ها برای بی اعتبار کردن تشکیلات و افراد در بین مردم و هواداران آن‌ها بود و حزب توده هم از این قاعده مستثنی نبود. برای بی اعتبار کردن هر چه بیشتر حزب توده، شایعاتی پراکنده کرد مبنی بر این که، حزب توده در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تشویق افسران طرفدار شاه برای براندازی دولت مصدق نقش داشته‌اند (نجاتی، ۱۳۷۱: ۳۲۱). از سویی با انتساب بعضی از اعضای حزب به خود و اعلام همکاری آن‌ها پس از آزادی از زندان با ساواک و شایعاتی مبنی بر این که بعضی از افسران حزب توده که به شوروی فرار کرده بودند به قدری از شوروی سرخورده اند که خواستار بازگشت به ایران گردیده اند و این که شوروی چند تن از آن‌ها را به دولت ایران تحویل داده و در ایران به جوخه اعدام سپرده شده‌اند (نجاتی، ۱۳۷۱: ۳۲۱).

نفوذ ساواک در حزب توده به اندازه‌ای پیش رفت که یک افسر برجسته ساواک ادعا کرد که ساواک از حدود سال ۱۳۴۰ به بعد به طور صد در صد حزب توده را اداره می کرده است (موسسه تحقیقات، ۱۳۷۱: ۳۹۶).

افزون بر رهبران حزب توده بیشتر اعضای این حزب هم پس از کودتای ۲۸ مرداد از کشور متواری شده به شوروی رفته بودند. فشار مضاعفی که ساواک و رژیم پهلوی به حزب توده داشت موجب پناهنده‌گی آنان به شوروی شد و تحت کنترل شدید «ک.گ.ب» زندگی سختی را در آنجا آغاز کردند به طوری که رهایی از آن تقریباً غیر ممکن بود (کوزیچکین، ۱۳۷۰: ۳۹۹).

ساواک پس از دستگیری اعضای حزب توده، آن‌ها را با وعده آزادی، به همکاری دعوت می کرد. وضع آشفته حزب، رفتن رهبران حزب به خارج از کشور و دور شدن از خطر اعدام و شکنجه عده‌ای از رهبران توده‌ای باعث می شد که توده‌ای‌ها نتوانند شکنجه‌های ساواک را تحمل کنند و همکاری با آن سازمان را بپذیرند. توده‌ای‌ها در ساواک موقعیت ویژه‌ای یافتند و به مقامات بالایی رسیدند تا آنجا که به قول یکی از کارمندان ساواک، افراد غیر توده‌ای ساواک آرزو می کردند که کاش قبلاً توده‌ای می بودند. همچنین گاهی ساواک افرادی را در پوشش حزب به درون آن نفوذ می داد و مدت ها افراد حزب از فعالیت‌هایش به نفع ساواک بی خبر بودند، فرد نفوذ داده شده که به راحتی اعتماد افراد حزب را جذب می کرد، تمام اطلاعات درون حزب را به ساواک منتقل می کرد (موسسه تحقیقات، ۱۳۷۱: ۳۹۶). در بعضی از موارد افراد، ظاهراً همکاری با ساواک را می پذیرفتند ولی پس از این که از زندان آزاد می شدند، به فعالیت خود در حزب توده ادامه می دادند. در چنین مواردی این افراد به عنوان عوامل حزب توده در ساواک عمل می کردند و اطلاعات لازم را به اطلاع رهبران حزب توده می رساندند. علی متقی یکی از این افراد بود که با دادن قول همکاری به ساواک از زندان آزاد شده بود ولی پس از آزادی مخفیانه نامه‌ای به مرکز حزب (در خارج از کشور) نوشت و این موضوع را به رهبران حزب اطلاع داد و یادآور شد که از این پس دو نوع نامه به مرکز حزب می نویسد؛ یکی با کنترل ساواک که با علامت

خاصی خواهد بود و دیگری که این علامت را ندارد و به وسیله یکی از دوستانش از خارج کشور پست می‌شود، واقعی و بدون کنترل ساواک است. علی‌متقی به سران حزب توده خبر داد که او قرار است زیر نظر ساواک شبکه‌ی قلابی تشکیل دهد (موسسه تحقیقات، ۱۳۷۱: ۳۹۶).

پدر ساواک - تیمور بختیار - با همکاری گروهی از همکارانش موفق شده بود تعداد کثیری از افسران توده‌ای دستگیر شده را با همکاری افسرانی چون سرهنگ امجدی، زیبایی، مبصر که ماموران پاک سازی شهربانی و ژاندارمری بودند، به رژیم باز گردند و نظامیان با توده‌ای‌ها ابراز همدلی کردند.

سروان عباسی به عنوان حلقه سست زنجیر حزب توده تشخیص داده شد و پس از بیست و چهار ساعت شکنجه، تمامی تشکیلات حزب را لو داده و به دنبال این اطلاعات اقرار شده: ششصد نفر از جمله چهار صد افسر در نیروهای سه گانه ارتش، ژاندارمری و شهربانی دستگیر شدند (دلانوا، ۱۳۷۱: ۵۷).

در تاریخ ۱۵ آذر ماه سال ۱۳۳۶ ساواک خبر داد که خسرو روزبه را دستگیر کرده است. پس از آن اداره سازمان حزب توده در تهران بر عهده فردی به نام دانش گذاشته شد و پس از مدتی ماهیت دانش فاش شد. به رادمنش دبیر کل حزب توده که در خارج از کشور به سر می‌برد خبر رسید که دانش از دست نشانندگان شهبازی مسئول حزب توده در ساواک است (طبری، ۱۳۶۶: ۴۳). رادمنش شخص دیگری به نام عباس شهرباری، که خود یکی از عوامل ساواک بود را مسئول سازماندهی حزب توده در ایران کرد. این امر نشان از آن داشت که ساواک توانسته بود با جذب افراد مورد اعتماد، کادر رهبری حزب توده را به استخدام خود درآورد. عباس شهرباری هم تحت شکنجه ساواک، تمامی اطلاعات حزب را لو داده و باعث از هم پاشیدگی حزب گردید (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۱۴۱).

عباس شهرباری از زمان مهاجرت به اروپا به خدمت ساواک درآمده بود و کلیه اطلاعات خود را در اختیار پلیس می‌گذاشت. با اطلاعات داده شده به ساواک، خاوری، حکمت جو، و چند تن دیگر دستگیر و پس از محاکمه به زندان‌های طولانی مدت محکوم شدند. در سال ۱۳۴۵ ساواک چاپخانه نشریه «ضمیمه نامه مردم» که توسط چند نفر از افراد حزب منتشر می‌شد را کشف کرد و گروه دیگری از توده‌ای‌ها دستگیر شدند. گفتنی است که همکاری شهرباری با ساواک تا سال ۱۳۴۸ برای دستگاه رهبری حزب توده روشن نشد. از سال ۱۳۴۶ فعالیت حزب توده به سبب ضرباتی که متحمل شده بود مجدداً متوقف شد و تا سال ۱۳۵۰ فعالیت چشمگیری در ایران نداشت (نجاتی، ۱۳۷۱: ۳۲۷). ساواک توانست حسین یزدانی یکی از خویشان نزدیک رادمنش را که بسیار مورد اعتماد وی بود، جذب کند. حسین یزدانی و برادرش فریدون اسناد حزبی و صندوق پستی را از رادمنش می‌دزدیدند و نامه‌های او را در اختیار ساواک قرار می‌دادند. ساواک پس از کپی گرفتن از اسناد، آن‌ها را به برادران یزدانی بر می‌گرداند تا به رادمنش برسانند و یا آن‌ها را در صندوق پستی او بیاندازند (گاز بورسکی، ۱۳۷۱: ۳۴۱).

پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ساواک تمام گروه‌های سیاسی را به شدت کنترل می‌کرد و هرگونه فعالیت آن‌ها را در نطفه خفه می‌کرد و حزب توده ایران نیز به شدت سرکوب شد. با شدت گرفتن فشارهای ساواک، عده‌ای از اعضای این حزب که ادامه مبارزه سیاسی را در جو خفقان ممکن نمی‌دانستند به فعالیت‌های چریکی و مسلحانه روی آوردند تا رژیم پهلوی را سرنگون کنند. گرچه دست به اقدامات مسلحانه زدند و ساواک حرکات آن‌ها را کنترل و سرکوب می‌کرد ولی آن‌ها تا حدودی با این اقدامات جو خفقان سال‌های ۱۳۴۰ و ۵۰ را شکستند و رعب و وحشت در دل رژیم و نیروهای انتظامی آن از جمله ساواک انداختند (نجاری راد، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

دستگیری عوامل توده‌ای از سوی ساواک ادامه یافت به طوری که در پی عملیاتی افرادی مانند سرتیپ علی اکبر درخشانی در دوران جنگ جهانی دوم که از سوی دستگاه امنیتی اطلاعاتی شوروی جذب شده بود، ساواک توانست در فروردین سال ۱۳۵۷ روابط او را با "ک.گ.ب" کشف و دستگیرش کند. او در همان جلسه دادگاه دچار سکتة مغزی شد و در گذشت. فعالیت‌هایش برای شوروی در قبال هزینه دریافت شده از طرف دولت شوروی بود. احمد مقربی نیز از دیگر افرادی بود که توسط ساواک دستگیر و محاکمه و اعدام شد. همکاری او نیز در قبال دریافت وجهی از طرف دولت شوروی بود (کوزیچکین، ۱۳۷۰: ۳۹۰).

محمود جعفریان مدیر رادیو و تلویزیون در سال‌های پنجاه که عمری را به عنوان توده‌ای گذرانده بود، فرمانده پلیس و سرانجام از مقامات کلیدی رژیم می‌شود و همچنین در سال ۱۳۶۲ دولت جمهوری اسلامی، توده‌ای‌ها را بازداشت کرد؛ معلوم شد رهبران سطح بالای حزب از ابتدای دهه چهل با ساواک همکاری کرده اند (دلانوا، ۱۳۷۱: ۷۷).

ساواک در راستای دست یابی به این موفقیت‌ها، در سطوح مختلف دست به فعالیت می‌زد تا بتواند این افراد را شناسایی و دستگیر کند؛ چرا که دستگیری آن‌ها کار چندان آسانی نبوده و نیاز به تشکیلات منسجم داشت که از طرف سازمان سیا و رژیم حاکم تامین می‌گشت. سرانجام حزب توده و ساواک گروه‌های سیاسی چپ وابسته و یا متمایل به شوروی حزب توده- در ایران در تمام سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ هیچ‌گاه در درجه‌ای از توان و اعتبار اجتماعی و سیاسی قرار نداشتند که بتوانند در مجموعه تحولات سیاسی اجتماعی جامعه ایرانی تاثیر قابل توجهی بر جای بگذارند. در تمام ناآرامی‌های دوران انقلاب هم ابتکار عمل در اختیار گروه‌های مذهبی تحت رهبری امام خمینی (ره) بود. حزب توده و دیگر گروه‌های وابسته به سیاست شوروی در ایران بسیار با تاخیر و آن هم با اشاره شوروی، خود را در تحولات سیاسی موجود سهیم کردند در حالی که تا پیروزی نهایی عملکرد موثری نداشتند (طلوعی، ۱۳۷۰: ۳۲۶).

از آنجایی که حزب توده برای برآورده ساختن نیازهای مالی اقتصادی خود به شوروی نیازمند بود، همین امر باعث شد تا پایان دهه سال ۱۳۶۰ فعالیت ناسالم حزبی- جاسوسی را کماکان ادامه دهد (کوزیچکین، ۱۳۷۰: ۳۸۰).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سران حزب توده به فعالیت های خود ادامه دادند اما پس از آن که معلوم شد هدف آن‌ها مقابله با جمهوری اسلامی است، سران آن‌ها شناسایی و دستگیر شدند. (بررسی اسناد، ۱۳۸۲: ۱۰)

یکی از عمده ترین دستاوردهای سرکوب حزب توده جلوگیری از تخریب اموال عمومی و کشتن سران حکومت و مردم بی دفاع بود به طوری که آن‌ها در ارگان‌های دولتی نفوذ کردند و از راه های مختلفی می‌خواستند به اهداف خود برسند ولی با سرکوب آن‌ها توسط حکومت جمهوری اسلامی به خواسته‌های پلید خود دست نیافتند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۸۱۸).

ساواک با اعمال شکنجه جسمی و روانی مخالفان رژیم نوعی امنیت ظاهری ولی شکننده و دروغین ایجاد نمود که حداکثر تا پاییز ۱۳۵۶ توانست به بقای مطلقه پهلوی کمک کند. ولی با بالا گرفتن اعتراضات مردمی، به ویژه اوج گیری نهضت امام خمینی (ره)، ساواک دیگر نتوانست به تداوم حیات رژیم کمک کند و در روزهای اوج گیری نهضت مردم و پیروزی انقلاب اسلامی عمداً از صحنه فعالیت دور افتاد و فعالیت چشمگیری در سرکوب مبارزان از سوی این سازمان دیده نشده است (نجاری راد، ۱۳۸۷: ۲۷۶).

سیاست‌های مراقبت و تیم‌های تعقیب ساواک تا واپسین روزهای عمر رژیم پهلوی به فعالیت خود در اطراف و اکناف سفارت خانه شوروی در تهران ادامه دادند و فقط در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بود که دولت موقت انقلابی به سرعت در صدد برآمد تا نظم را دوباره برقرار کند. با انجام همه این اقدامات سرانجام این قدرت سیاسی با پیروزی جمهوری اسلامی به انحلال رسید (دلانوا، ۱۳۷۱: ۲۵۴). این پایان اسطوره شکست ناپذیری سرویس‌های جاسوسی غرب بود و پس از مدتی که نقشه‌ها و اهداف خود را پیش می‌بردند، شکست می‌خوردند.

نتیجه‌گیری

کشور ایران به علت موقعیت جغرافیایی همواره مورد توجه دولت‌های قدرتمند بوده است. این دولت‌ها آنچه که برایشان در اولویت قرار می‌گرفت، حفظ منابع و منافع خود بود. نظام حاکم بر ایران نیز در پی تحکیم موقعیت خویش به هر قدرتی که به تحکیم مواضعش یاری رسان بود، دست اتحاد می‌داد. شوروی از جمله دولت‌هایی بود که برای پیشبرد منافع خود از احزاب داخلی ایران یاری گرفت. حزب توده از قوی‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای چپ‌گرا بود که در راستای سیاست شوروی گام بر می‌داشت تا حدی که حرف شنوی صرف از این دولت داشت. رژیم حاکم نیز برای مقابله با مخالفان، از جمله حزب توده، دست اتحاد به رقیب شوروی یعنی آمریکا پیش برد که به تأسیس سازمان امنیت و اطلاعات

انجامید تا رقبا و مخالفان را سرکوب نماید و در راس آن بتواند از پیشروی فعالیت‌های حزب توده ممانعت کند. اوضاع کشور به گونه‌ای بود که به طور کلی عرصه دسته بندی دولت‌های قدرتمند گردیده بود و تا جایی این قدرت‌ها یاری رسان بودند که منافع آن‌ها تامین شود. در غیر این صورت حمایت آن‌ها سلب می‌شد. ساواک با قدرت و نفوذی که داشت توانست در کادر حزب توده نفوذ کرده و عده زیادی از آن‌ها را دستگیر و باعث فروپاشی تشکیلات این حزب گردد. حزبی که در راستای تامین منافع شوروی بود. ساواک تحت حمایت آمریکا این فعالیت دستگیری را ادامه داد و با اعدام افراد رده بالای این حزب علناً مانع از ادامه فعالیت هایش گردید و این وضعیت تا زمان انقلاب جمهوری اسلامی ادامه یافت و پس از آن با همکاری نیروهای مذهبی و تحت هدایت رهبر انقلاب، امام خمینی (ره) بساط این دسته بندی‌ها بر چیده شد و با پیروزی انقلاب قدرت عمل هم از ساواک و هم حزب توده گرفته شد.



منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۳)، دانشنامه سیاسی، تهران: نشر مروارید.
- ازغدی، علیرضا (۱۳۶۷)، روابط خارجی ایران، تهران: قومس.
- الموتی، ضیاء الدین (۱۳۷۰)، فصولی از تاریخ مبارزات سیاسی - اجتماعی ایران (جنبش‌های چپ)، تهران: انتشارات چاپ پخش. به کوشش موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه.
- بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۲)، چپ در ایران به روایت اسناد ساواک (کادراهی حزب توده) مرکز، ج ۱.
- بی‌نام (۱۳۸۰)، چپ در ایران به روایت اسناد ساواک: سازمان نظامی حزب توده ایران، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، جلد اول.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷)، حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی ۱۳۲۰-۱۳۶۸، بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران.
- دلنوا، کریستین (۱۳۷۱)، ساواک، مترجم: عبدالحسین نیک گوهر، تهران: طرح نو.
- سلیمی، حشمت‌الله (۱۳۸۷) شکنجه به روایت شکنجه‌گران ساواک، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طبری، احسان (۱۳۶۶)، کژراهه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۰)، داستان انقلاب، تهران: نشر علم.
- لطیفیان، سعیده (۱۳۸۰)، ارتش و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فردوست، حسین (۱۳۷۰)، ظهور و سقوط دولت پهلوی، تهران: انتشارات اطلاعات، ج اول.
- کوزیچکین، ولادیمیر (۱۳۷۰)، ک گ ب در ایران، ترجمه: اسماعیل زند و حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۷۱)، خاطرات نورالدین کیانوری، تهران: اطلاعات.
- گازورسکی، مارک (۱۳۷۱)، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه: فریدون فاطمی، نشر مرکز.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۱)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران: انتشارات اسلامی، جلد اول.
- موسسات مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۷۵)، سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی، جلد اول.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، جلد اول، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نجاری راد، تقی (۱۳۷۸)، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم، تهران: مرکز اسناد انقلابی.